

مقایسه دقت و تنوع برگردان استعاره‌های پنج جزء اول قرآن در دو ترجمه «طبری» و «گرمارودی»

امیر توحیدی^۱، علیرضا باقر^۲ و کوثر مؤیدی^۳

چکیده

استعاره از مؤلفه‌های زیبایی زبان است که پیچیدگی‌های خاص خود را نیز دارد. بی‌جهت نیست که برای برگردان استعاره از زبان مبدأ به زبان مقصد، شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که مترجمان از دیرباز به‌کار برده‌اند. یکی از دشواری‌های ترجمه قرآن نیز برگردان استعاره است. در این مقاله، برگردان صد استعاره از پنج جزء نخست قرآن در ترجمه کهن طبری (ترجمه رسمی) با ترجمه معاصر گرمارودی مقایسه شده است که هدف از آن، بررسی میزان دقت مترجمان و تنوع شیوه‌های آنان در این زمینه و تغییر شیوه‌ها در طی زمان است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که تفاوت زمانی چند سده‌ای و تحولات و دگرگونی‌های زبانی، علیرغم تأثیر در میزان بهره‌گیری مترجمان از روش‌های مختلف، در تنوع شیوه‌های آنان تفاوت چندانی ایجاد نکرده است. البته این اختلاف در میزان بهره‌گیری از شیوه‌ها، بر نگرش آنان به ترجمه قرآن مبتنی است که می‌توان آن را در مبداءمداری مترجمان کهن و مقصدمداری مترجمان معاصر خلاصه کرد.

واژگان کلیدی: استعاره‌های قرآنی، ترجمه استعاره، شیوه‌های برگردان استعاره، ترجمه طبری، ترجمه رسمی، ترجمه گرمارودی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران/
نویسنده مسئول.

رایانامه: baqeralireza45@gmail.com.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
رایانامه: amir_tohidi_110@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
رایانامه: moayedikosar@yahoo.com

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری است.

مقدمه

برگردان فنون بلاغی از زبانی به زبان دیگر، دشواری‌های خاص خود را دارد. در این میان اهمیت و دشواری ترجمه استعاره، به مثابه یکی از مهم‌ترین صور خیال که بخش عمده‌ای از بار زیبایی و خیال‌انگیزی سخن را بر دوش می‌کشد، بر مترجمان پوشیده نیست. همین موضوع سبب شده است که صاحب‌نظران حوزه مطالعات ترجمه، به برگردان فن بیانی یادشده توجهی ویژه داشته باشند. به باور برخی از نظریه‌پردازان عرصه ترجمه، برگردان استعاره از زبانی به زبان دیگر محال است، ولی در مقابل، گروهی نیز آن را ممکن می‌دانند و در عین حال به سختی‌های آن نیز آگاه‌اند و از این رو به ارائه راهکارهایی برای ترجمه این فن بیانی پرداخته‌اند.

از آنجاکه استعاره در قرآن فروان یافت می‌شود، شیوه برگردان آن توجهی ویژه می‌طلبد و مترجمان باید روش‌های روشنی در برگردان این فن بلاغی داشته باشند تا در رساندن مقصود کلام الهی دچار تزلزل نشوند و ترجمه دقیق‌تر و زیباتری ارائه دهند. از این رو نگارنده مقاله حاضر بر آن شد که در حد وسع، به تحلیل و ارزیابی روش‌های برگردان استعاره‌های قرآنی بپردازد؛ باشد که چنین تحلیلی در کیفیت ترجمه استعاره‌های قرآن اثری فزاینده گذارد. بدین منظور پنج جزء آغازین قرآن کریم که با حدود صد استعاره، در صد چشم‌گیری از استعاره‌های قرآن را در خود جای داده است، انتخاب شد تا شیوه‌های برگردان آنها در ترجمه رسمی و ترجمه موسوی گرمارودی با رویکرد تحلیلی و مقایسه‌ای بررسی شود. کتاب ترجمه رسمی، مشهور به ترجمه تفسیر طبری، اثر مترجمان بخارایی و از ترجمه‌های برجسته و کهن قرآن است که در زبان پارسی اهمیت بسیاری دارد. موسوی گرمارودی نیز از مترجمان توانا و ادب‌آشنای قرآن در دوران معاصر است که ترجمه‌اش مورد توجه قرار گرفته است.

تغییر دیدگاه مترجمان در گذر زمان، در گزینش روش‌های ترجمه استعاره نیز تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که در قرن چهارم که تازه مترجمان به ترجمه قرآن دست برده بودند، اعتقاد داشتند ترجمه تحت اللفظی برای برگردان قرآن مناسب‌تر است تا در حد امکان از متن مبدأ دور نشوند و خللی در رساندن پیام الهی پدید نیاید، ولی با گذشت زمان، این دیدگاه رنگ باخت و حفظ زیبایی کلام به دغدغه اصلی مترجمان تبدیل شد.

در این جستار برآنیم روشن کنیم که این تغییر دیدگاه‌ها در عرصه ترجمه تا چه میزان بر شیوه برگردان استعاره‌های قرآن تأثیر گذاشته و تفاوت‌های زبانی که در طول زمان در باب ترجمه ایجاد شده، در نوع برگردان استعاره‌های قرآن چقدر مؤثر بوده است. از این رو ترجمه‌ای کهن و ترجمه‌ای از دوره معاصر انتخاب شد تا این مسئله را بررسی شود. هدف نگارنده از این پژوهش، بررسی

پراکندگی و تنوع شیوه‌های معادل‌یابی استعاره در دو ترجمه منتخب طبق شیوه‌های پیشنهادی نیومارک (Newmark) و در نهایت تحلیل و مقایسه درصد بهره‌گیری‌شان از این شیوه‌هاست. گفتنی است در میان پژوهش‌ها و بررسی‌های مربوط به معادل‌یابی استعاره تاکنون تحقیق جامع و دقیقی درباره ترجمه استعاره‌های قرآنی انجام نشده است، بلکه تنها تحقیقاتی پراکنده در حاشیه برخی پژوهش‌ها به چشم می‌خورد؛ مانند:

۱. رساله مقطع کارشناسی ارشد آقای جمال بوتشاشه، با عنوان نماذج من الإستعارة في القرآن وترجمتها باللغة الإنجليزية که در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی در دانشگاه الجزایر دفاع شد. در این رساله نمونه‌هایی از استعارات قرآنی و نمونه‌هایی از ترجمه آنها به زبان انگلیسی به صورت پراکنده از کل قرآن گردآوری شده است.

۲. مقاله دکتر علیرضا باقر با عنوان دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری که در پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۱، شماره یازدهم به چاپ رسیده است. در مقاله یادشده برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری بررسی شده، ولی ویژگی مقاله حاضر این است که میزان بهره‌برداری طبری از شیوه‌های برگردان استعاره را با اثر یکی از مترجمان معاصر مقایسه کرده است.

۳. مقاله یعقوب جعفری با عنوان استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن که مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی آن را در سال ۱۳۸۲، شماره چهاردهم چاپ کرده است. نویسنده در این مقاله با بررسی مفهوم و انواع استعاره، به نقد چگونگی ترجمه استعاره در دو شیوه «تحت اللفظی» و «معنایی» پرداخته و در پایان، شماری از ترجمه‌های قرآن را بر اساس شیوه دوم بررسی کرده است.

۴. مقاله رضا امانی و یسری شادمان با عنوان چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه که در سال ۱۳۹۱ در مجله مطالعات قرآن و حدیث، دوره پنجم، شماره دهم چاپ شده است. این مقاله شیوه‌های ترجمه استعارات قرآنی را ارزیابی کرده است.

چنان‌که مشاهده می‌شود، مقاله‌های یادشده از نظر شیوه و قلمرو بحث با این پژوهش تفاوت‌هایی دارند و جستار حاضر، مبحث برگردان استعاره‌های قرآنی را دقیق‌تر بررسی می‌کند. روند تحقیق بدین صورت است که پس از بیان تعریفی کوتاه از استعاره، آرای مشهور و جدید نظریه‌پردازان عرصه ترجمه را درباره معادل‌یابی استعاره ارائه، و شیوه‌های پیشنهادی آنان را بیان کرده‌ایم. سپس به تحلیل نمونه‌هایی از برگردان استعاره‌های قرآن در دو ترجمه طبری و گرمارودی پرداخته و در پایان، تنوع و میزان بهره‌گیری‌شان از شیوه‌ها را با هم مقایسه کرده‌ایم. گفتنی است با اینکه دو مترجم در دو دوره کاملاً متفاوت زیسته‌اند، شباهت‌های زیادی در شیوه‌های معادل‌یابی

- آنان دیده می‌شود که محقق را بر آن می‌دارد تا این شیوه‌ها را در دو ترجمه تحلیل و مقایسه کند. شایان توجه است که در این نوشتار، کوشش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:
۱. تنوع شیوه‌هایی که هریک از مترجمان در برگردان استعاره به‌کار برده‌اند، چگونه است؟
 ۲. کدام مترجم در برگردان استعاره دقیق‌تر بوده است؟
 ۳. آیا بهره‌بری مترجمان از شیوه‌های گوناگون، صرف تفنن ادبی و زبانی بوده یا دلایل و اغراض دیگری نیز وجود داشته است؟
 ۴. با گذشت زمان و با وجود تغییرات زبانی، چه تغییراتی در شیوه برگردان مترجمان به وجود آمده است؟

تعریف استعاره

استعاره از ریشه «عور»، و در لغت به معنای عاریت گرفتن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۱۸). اما اصطلاحاً مجازی است با علاقه مشابهت میان معنای موضوع‌له و غیر موضوع‌له که همراه قرینه صارفه به‌کار می‌رود تا ذهن را از توجه به معنای اصلی و موضوع‌له باز دارد (مطرجی، ۱۹۸۷م، ص ۱۳۸). سیوطی استعاره را حاصل ازدواج مجاز و تشبیه می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۸). نه تنها او، که بسیاری از قدما معتقدند استعاره از آمیزش مجاز و تشبیه به وجود می‌آید؛ زیرا استعاره انتقال لفظ از معنای موضوع‌له و اصلی به معنایی دیگر است که از این باب با مجاز اشتراک دارد و اخص از آن است. دلیل مطلب یادشده چنین است که اولاً قصد مبالغه در استعاره شرط است، ولی در مجاز شرط نیست. ثانیاً علاقه این مجاز شباهت است؛ چراکه در اصل تشبیهی است که سه رکن اصلی‌اش از ارکانش حذف شده و فقط یک رکن آن باقی مانده و استعاره نامیده شده است (جاحظ، ۱۹۶۰م، ص ۱۵۲؛ جرجانی، بی‌تا، ص ۴۷؛ سکاکی، ۱۹۸۲م، ص ۱۹۶؛ حموی، ۲۰۰۹م، ص ۱۱۰). قزوینی حسن استعاره را در این می‌داند که بوی تشبیه از آن استشمام نشود و این با ادعای دخول مشبه در جنس مشبه‌به تحقق می‌یابد و از این‌روست که تشبیه اعم از استعاره است (قزوینی، ۲۰۰۲م، ص ۱۶۴).

اروپاییان نیز تعریف‌هایی نزدیک به تعاریف اندیشمندان مسلمان برای استعاره آورده‌اند و بسیاری از آنان استعاره را صورتی گفتاری دانسته‌اند که در آن واژه یا عبارتی که بر معنا یا اندیشه‌ای خاص دلالت دارد، به جای واژه یا عبارتی دیگر به‌کار می‌رود تا شباهت آن دو نمایان شود یا زمینه‌ای برای مقایسه آن دو فراهم گردد (see: Alvarez, 1993, p. 48). اروپاییان همچنین بر دو اصل انتقال و مشابهت در تعاریف استعاره تأکید دارند. البته آنان تقسیمات بسیار گسترده و

گوناگون‌تری برای استعاره مطرح کرده‌اند (ر.ک: بوتشاشه، ۲۰۰۵م-۲۰۰۴م، ص ۵۵؛ Newmark, 1988).

گفتنی است که استعاره از دید زبان‌شناسان معاصر، به‌ویژه در قلمرو زبان‌شناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی، تعریفی کاملاً متفاوت می‌یابد و بیش از آنکه گونه‌ای تخلف از قواعد مرسوم زبانی باشد، حضوری همه‌جانبه در زبان دارد. بر پایه دیدگاه جورج لیکاف (Lakoff) که برای نخستین بار در کتاب استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم مطرح شده است، استعاره در سطح مفاهیم روی می‌دهد؛ نه الفاظ و عبارات (Lakoff, 1980, p. 3).

ترجمه استعاره

ترجمه استعاره در دوران معاصر، معرکه آرای پژوهشگران و مترجمان بوده است و می‌توان آن را از مشکلات ترجمه دانست؛ زیرا در برگردان آن از زبان و فرهنگی به زبان و فرهنگی دیگر، ممکن است تفاوت‌های زبانی و فرهنگی نادیده گرفته و بار معنایی آن مختل شود. به‌همین دلیل، نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی درباره برگردان استعاره پدید آمده است.

از اواخر قرن بیستم مقالات متعددی درباره مطالعات ترجمه ارائه شد که نایدا (Naida) ۱۹۶۴ میلادی، رایس (Riss) ۱۹۷۱ میلادی، داگوت (Dagut) ۱۹۷۶ میلادی، ون دن بروک (Van Den Broek) ۱۹۸۱ میلادی، میسون (Mason) ۱۹۸۲ میلادی، نیومارک (Newmark) ۱۹۸۸ میلادی و اسنل هورگینی (Esna) ۱۹۸۸ میلادی از آن جمله‌اند (Burmakova & Marugina, 2014, p. 527). در ادامه، برخی از دیدگاه‌های متفاوت درباره برگردان استعاره را به‌اختصار بیان می‌شود.

۱. ترجمه‌ناپذیری استعاره

داگوت از نخستین کسانی است که ترجمه‌ناپذیری استعاره را مطرح کرده است (بوتشاشه، ۲۰۰۵م-۲۰۰۴م، ص ۷۵). وی مدعی است که ترجمه استعاره را نمی‌توان در چارچوب مجموعه‌ای از نقش‌های محدود و انتزاعی تبیین کرد، بلکه برای این کار باید به ساختار و کارکرد خاص استعاره در متن یک فرهنگ تکیه کرد؛ کاری که برای گویشگران دیگر زبان‌ها ممکن نیست. پس نمی‌توان استعاره را به زبانی دیگر ترجمه کرد (Dagvt, 1976, p. 32; Alvarez, 1993, p. 478).

۲. ترجمه‌پذیری استعاره

این جریان که میسون از برجسته‌ترین نمایندگان آن است، مشکلات ترجمه استعاره را از مشکلات عام ترجمه جدا نمی‌داند و از این‌رو نظریه‌ای جدا برای ترجمه استعاره ارائه نمی‌دهد (Mason, 1982, pp. 141-149).

۳. امکان ترجمه استعاره همراه با معادلی‌یابی مناسب

تلاش پیترومارک به عنوان مترجمی متخصص، بر آن است که از تحقیقات نظری بکاهد و تا حد ممکن وارد عرصه تجزیه و تحلیل عملی شود. از این‌رو روش‌های پیشنهادی و کاربردی وی درباره ترجمه استعاره درخور توجه است. او بر این باور است که استعاره باید تا جای ممکن به اصل آن ترجمه شود؛ بنابراین توصیه می‌کند که ترجمه تقریباً کلمه به کلمه و تحت‌اللفظی باشد. باوجود این اگر مترجم گمان کند که استعاره شامل عناصری فرهنگی است و احتمال دارد برای گیرنده مبهم باشد، از جایگزین کردن تصاویر استفاده کند (Oliynyk, 2014, p.10).

نیومارک از حفظ حداکثری شکل اصلی استعاره حمایت می‌کند و درعین حال معتقد است که پایبندی بیش از حد به اصل، می‌تواند بی‌تعادلی در سبک کلی متن را در پی داشته باشد. از این‌رو انتخاب روش ترجمه به نوع متن، تعداد استعاره‌ها و تصمیم مترجم برای استفاده کردن یا نکردن از گفتار تمثیلی (استعاری یا مجازی) در ترجمه وابسته است.

با بررسی سه جریان یادشده واضح می‌شود که دیدگاه اول قابل دفاع نیست و دیدگاه دوم با اینکه بر ترجمه‌پذیر بودن استعاره صحنه می‌گذارد، از آنجاکه نگاه ویژه و مستقلی به ترجمه استعاره ندارد و راهکاری برای ترجمه استعاره ارائه نمی‌دهد، نظریه کاملی به شمار نمی‌آید و از مشکلات ترجمه استعاره نمی‌کاهد. اگر استعاره‌ها طبق این دیدگاه، بدون ضابطه ترجمه شود، بسیاری از جلوه‌های زیباشناختی آثار ادبی از بین می‌رود. اما جریان سوم واقع‌بینانه بوده، مشکلات دو جریان پیشین را ندارد (Burmakova & Marugina, 2014, pp. 528-533).

راهکارهای پیشنهادی نیومارک برای برگردان استعاره بدین قرارند:

۱. بازتولید استعاره در زبان مقصد که همان ترجمه تحت‌اللفظی استعاره است؛
۲. جایگزینی استعاره با استعاره‌ای که با فرهنگ زبان مقصد متناسب باشد؛
۳. ترجمه استعاره به تشبیه با حفظ همان تصویر ذهنی؛
۴. ترجمه استعاره به تشبیه همراه با معنا یا حس (تبدیل استعاره به تشبیه همراه با توضیح آن)؛
۵. ترجمه مفهومی استعاره و حذف عنصر تشبیه؛

۶. بازتولید استعاره به همراه توضیح و ترجمه مفهومی؛

۷. حذف استعاره (Newmark, 1988, p. 96).

ون دن بروک و توپپاس (Tobias) از میان راهکارهای هفت‌گانه نیومارک به سه راهکار اکتفا کرده‌اند:

۱. بازتولید تصویر استعاری در زبان مقصد؛

۲. تعویض استعاره زبان مبدأ با استعاره معادل در زبان مقصد؛

۳. ترجمه مفهومی و توضیح و تفسیر استعاره (Van Den Broek, 1981, p. 77; Tobias, 2009, p. 45).

با اینکه شماری از نظریه‌پردازان ترجمه مانند ون دن بروک و توپپاس از راهبردهای نیومارک برای ترجمه استعاره اثر پذیرفته‌اند، این راهبردها اشکالاتی نیز دارد (باقر، ۱۳۹۱، ص ۷). البته از آنجاکه این مبحث از موضوع بحث ما بیرون است، از آن چشم‌پوشی می‌شود.

۴. تفاوت این راهکارها از نظر دقت و صحت

بازتولید استعاره، به منزله آسان‌ترین و درعین حال دقیق‌ترین و مطمئن‌ترین روش، در صدر شیوه‌های ترجمه استعاره قرار دارد و طبعاً مترجمی که بر انتقال دقیق و دور از لغزش تصویر استعاری اصرار دارد، بیشتر از این روش بهره می‌برد. البته طبیعی است که استفاده از شیوه بازتولید، هنگامی ممکن است که کاربران زبان مبدأ و مقصد، فهم و برداشتی مشترک و مشابه از آن تصویر استعاری داشته باشند و این معمولاً تابع اشتراک‌های فرهنگی است و نمی‌توان مدعی شد که به‌گسترده‌گی وجود دارد.

جایگزین کردن استعاره زبان مقصد با استعاره معادل در زبان مبدأ، ممکن است دقت و اطمینان بخشی شیوه بازتولید را نداشته باشد، ولی از لحاظ زیبایی ادبی ارزشمندتر است؛ چراکه مترجم با هنرمندی و توانایی ادبی اش استعاره‌ای جدید را با استعاره زبان مبدأ جایگزین می‌کند تا اختلاف فرهنگ زبان مقصد و مبدأ مانع فهم تصویر استعاری نشود و از این‌رو شایسته تحسین است. والودا (Waldau) از زبان‌شناسان معاصر، این مطلب را چنین بیان می‌کند: برخی استعاره‌ها با عبارات مختلف اصطلاحی در زبان مقصد جایگزین می‌شود. در این راستا اگر استعاره یا تشبیهی به چیزی برگردد که با عبارت استعاری اصلی اش متفاوت است، در این صورت اگر تصویری که عرضه می‌کند همان باشد که در زبان مبدأ بوده، معنای عبارت تغییر نکرده است. این کار به منظور اتصال و درک بهتر ادبیات برای خوانندگان است (Waldau, 2010, p. 28).

گاهی مترجم، استعاره را با توضیح و تفسیر همراه می‌کند و با این کار از زیبایی استعاره می‌کاهد و خواننده دیگر فرصت تصویرسازی و تأمل در استعاره را ندارد و مفهوم کلام به سرعت در اختیارش قرار می‌گیرد. این توضیحات اضافه را می‌توان نوعی حشو در کلام دانست؛ چراکه استعاره را از هدفش دور می‌کند. اما برگردان استعاره به صورت تشبیه، نوعی تفنن ادبی است و در واقع بیان استعاره به زبانی ساده‌تر است؛ زیرا استعاره در اصل، تشبیهی است که برخی ارکانش حذف شده است و در این روش، ارکان حذف‌شده باز می‌گردند؛ بدین ترتیب فهم استعاره آسان‌تر می‌شود. این روش به‌ویژه برای خوانندگانی که با ادبیات انس ندارند، مفید خواهد بود. گاهی مترجم کار را برای خواننده راحت‌تر می‌کند و بعد از برگردان استعاره به تشبیه، برای فهم بهتر توضیحی نیز به آن می‌افزاید که طبیعتاً رتبه بلاغی آن پایین‌تر است. گاهی نیز ممکن است مترجم، حتی با تبدیل استعاره به تشبیه نیز نتواند مفهوم و مقصود گوینده را آن‌چنان که باید و شاید انتقال دهد و خواننده در فهم مطلب دچار سختی شود. در این صورت وی ترجیح می‌دهد، ساختار ادبی را در درجه دوم کار خود قرار دهد و بر رساندن دقیق مفهوم همت گمارد. این شیوه که ترجمه مفهومی است، از نظر بلاغی در رتبه بعد از تبدیل استعاره به تشبیه قرار دارد. گاهی نیز دیده شده که مترجمان ساختار استعاری را کاملاً حذف می‌کنند و نادیده می‌گیرند. این روش به‌نوعی پاک کردن صورت مسئله است و روش مناسبی برای برگردان استعاره نیست. گویا مترجم، امانت‌دار خوبی نبوده و به جای انتخاب روشی مناسب برای برگردان استعاره، آن را به کلی از قلم انداخته است.

در این پژوهش، پنج جزء نخست قرآن برای سنجش دقت و صحت برگردان استعاره‌ها برگزیده شده است که از نظر کمی، حجم قابل توجهی دارد و همچنین آیه‌های گوناگون با موضوعاتی متفاوت را در بر گرفته است و از این رو جامعه آماری مناسب و قابل اتکایی ارائه می‌دهد.

۵. شیوه‌های برگردان استعاره در ترجمه طبری

با بررسی حدود صد استعاره که در پنج جزء اول قرآن به کار رفته است، مشخص شد که ترجمه طبری از چهار شیوه برای برگردان استعاره بهره گرفته است که در ادامه به شماری از نمونه‌های آن پرداخته می‌شود:

أ. بازتولید استعاره: ۵۴ درصد (۵۴ مورد) از استعاره‌ها در ترجمه طبری به این شیوه برگردان شده است. از باب نمونه:

یک. «حَتَّى إِذَا خَضِرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ» (سوره نساء، آیه ۱۸)؛ تا چون حاضر آید به یکی از ایشان مرگ.

در این آیه «حَصَرَ» به «موت» نسبت داده شده، درحالی‌که «موت» جاندار نیست تا فعل «حَصَرَ» به آن اسناد داده شود. پس استعاره مکنیه است و در ترجمه به صورت بازتولید برگردان شده است. البته برخی مفسران مانند زمخشری در کشاف و ثعلبی در تفسیر الثعلبی و فخرالدین رازی در تفسیر الرازی مقصود از حضور مرگ را حضور اسباب، نشانه‌ها، آثار و مقدمات مرگ دانسته‌اند - مانند بیماری‌های سخت - که در این صورت نیز استعاره در جای خود باقی است، ولی اگر مقصود از حضور مرگ را با حذف مضاف، حضور ملک الموت در نظر بگیریم، دیگر از باب علم معانی و قصر قابل بررسی است.

دو. «إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۵)؛ که بلرزاندشان دیو.

«زلل» در اصل به معنای از موضعی به موضع دیگر منحرف شدن است (جوهری، ۱۹۸۷م، ص ۱۷۱۷). «زلل» به معنای «خطا» به کار می‌رود؛ زیرا خطاکار از راه درست منحرف می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴)؛ بنابراین مقصود از لرزاندن، گمراه کردن ایشان است و مترجم با برگردان همین واژه به فارسی، آن را بازتولید کرده است.

سه. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (سوره بقره، آیه ۲۰۷)؛ از مردمان آنک خرد تن او را جستن خشنودی خدای.

«اشترأ» استعاره از مبادله و معاوضه است و مترجم بدون تبیین غرض و معنای مقصود، آن را به پارسی بازتولید کرده است.

چهار. «لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (سوره بقره، آیه ۴۲)؛ مه پوشید حق را به ستم.

«لباس» جامه‌ای است که بر تن کنند، اما در این آیه پوشاندن یا امتزاج حق با باطل قصد، و در ترجمه بازتولید شده است.

پنج. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵)؛ هر تنی چشنده مرگ است.

«ذوق» به معنای چشیدن طعم و آزمودن مزه است (جوهری، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۱۴۷۹)؛ ابن اثیر، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۷۲)، ولی اینجا مقصود درک کردن است که مترجم با آوردن واژه «چشنده»، همان استعاره عربی را در زبان پارسی پدید آورده است.

مترجم استعاره‌های موجود در آیات ذیل را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره حمد، آیه ۶؛ سوره بقره، آیات ۷، ۱۶، ۲۰، ۴۱، ۴۲، ۶۱، ۸۶، ۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۲۲ (دو استعاره)، ۲۲۳ (دو استعاره)، ۲۳۵ (دو استعاره)، ۲۴۵، ۲۷۵؛ سوره آل عمران، آیات ۲۱، ۷۱، ۷۷، ۱۱۲، ۱۷۷، ۱۸۵؛ سوره نساء، آیات ۲، ۱۰، ۲۳، ۲۹، ۳۱، ۴۳، ۵۶، ۷۱، ۷۴، ۸۸، ۱۳۸، ۱۶۱.

ب. جایگزینی استعاره: ۲۳ درصد (۲۳ مورد) استعاره‌ها در ترجمه طبری به این روش برگردان شده است؛ مانند:

یک. «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً» (سوره بقره، آیه ۸۱)؛ بلی آن که ساخت بدی.

«کسب» در اینجا به معنای «عمل کردن» است و فعل «ساختن» جایگزین استعاره است؛ زیرا «ساختن» برای اشیا به کار می‌رود و کاربرد آن برای بدی از باب استعاره مکنیه است. مترجم در آیه ۲۲۵ سوره بقره و آیه ۸۸ سوره نساء نیز به همین روش عمل کرده است. دو. «مَسْتَهْمُ الْبِاسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَزُلُّوا» (سوره بقره، آیه ۲۱۴)؛ برسیدشان سختی و زیان و بجنابیدشان.

«مس» در لغت به معنای لمس کردن و دست‌سودن است (راغب، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۳۲۹). مترجم با فعل «برسد» که به جانداران اختصاص دارد، استعاره‌ای دیگر ساخته است.

سه. «فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ» (سوره نساء، آیه ۱۵۵)؛ بر آنچه پشکستند پیمان ایشان.

«نقض» اصلی است که بر پاره کردن و شکافتن چیزی دلالت می‌کند؛ مثل نقض حبل (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۷۱). «نقض میثاق» نیز در واقع استعاره است و گویا پیمان الهی ریسمانی تابیده است که برخی آن را می‌شکافند و بدین وسیله از دین خارج می‌شوند. مترجم از استعاره‌ای جدید برای برگردان آن بهره برده و کلمه «شکستن» را که به شیشه اختصاص دارد، از باب استعاره مکنیه، برای پیمان استفاده کرده است.

مترجم، استعاره‌های موجود در آیات ذیل را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره بقره، آیات ۲۷، ۵۵، ۸۰، ۱۸۷، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۶؛ سوره آل عمران، آیات ۶، ۲۴، ۳۷، ۴۷، ۱۲۰، ۱۳۴، ۱۴۰؛ سوره نساء، آیات ۲۱، ۲۳، ۴۳، ۸۸.

ج. ترجمه مفهومی: ۲۲ درصد (۲۲ مورد) استعاره‌ها در ترجمه طبری به این شیوه اختصاص دارد؛ مانند:

یک. «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۵)؛ بفزادیشان اندر بی‌راهی‌شان می‌روند.

«طغیان» در لغت به معنای تجاوز از حد است (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۶)، ولی مفهوم این واژه طبق آیه، کفر و غوطه‌ور شدن در گناهان و ظلم است که طبق برگردان مترجم، همان بی‌راهه رفتن است.

دو. «فَعَلَيْهِنَّ نِصْفَ مَا عَلَى الْمُحْصِنَاتِ» (سوره نساء، آیه ۲۵)؛ بر ایشان است نیمه آنچه بر آزادگان باشد.

«حصن» در لغت به معنای حفظ و دژ و حرز است و «محصن» کسی است که در دژ جای گیرد. در این آیه، «محصن» استعاره برای زنی است که در دژ و حفاظ شوی خود یا در دژ اسلام و یا دژ عفاف و پاکدامنی قرار گرفته است (ابن اثیر، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۳۹۷؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۶۳).

سه. «لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸)؛ مه گیرید دوستی حقیقت از فرود شما.

«بطانه» در اصل باطن جامه و روی درونی آن است که به تن می چسبد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۴۰؛ جوهری، ۱۹۸۷م، ج ۵، ص ۲۰۷۹)، اما در آیه برای دوست صمیمی استعاره شده است؛ دوستی که ملازم انسان باشد (جصاص، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۴۶؛ نحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ سمرقندی، بی تا، ص ۲۶۶)، همچون آستر برای لباس، و از امور نهانی وی آگاه باشد. چنان که ملاحظه می شود، مفهوم حقیقی استعاره در ترجمه آورده شده است.

مترجم، استعاره‌های موجود در آیات ذیل را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره بقره، آیات ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۹۹؛ سوره آل عمران، آیات ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۹۹، ۱۰۳، ۱۹۷؛ سوره نساء، آیات ۱۰، ۲۵ (سه استعاره)، ۳۰، ۳۴، ۵۶.

د. حذف ساختار استعاری: در پنج جزء منتخب فقط یک نمونه از این نوع در ترجمه طبری یافت شد: «حَقٌّ يَتَبَيَّنُ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (سوره بقره، آیه ۱۸۷)؛ تا پیدا آید شما را سپیدی روز از سیاهی شب از بامداد. در این آیه سپیدی و نور فجر به نخ سفید، و سیاهی شب به نخ سیاه تشبیه شده است. فجر از آن جهت به نخ سفید تشبیه شده که در آن هنگام در آسمان نوری مانند نخ در افق پدیدار می شود و سپس از دو طرف گسترش می یابد. در ترجمه طبری تصویر استعاری خیط (نخ) کاملاً نادیده گرفته شده و ترجمه‌ای بسیار ساده را شاهدیم که خالی از بیان استعاری است.

۶. شیوه‌های برگردان استعاره در ترجمه گرمارودی

گرمارودی استعاره‌ها را به سه شیوه ترجمه کرده است که در ادامه، برخی از نمونه‌های آن ذکر خواهد شد.

ا. بازتولید استعاره: ۳۸ درصد (۳۸ مورد) ترجمه‌های گرمارودی در پنج جزء اول قرآن به این

روش برگردان شده است.

یک. «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (سوره آل عمران، آیه ۲۱)؛ آنان را به عذابی دردناک نوید ده. «بشارت» در اصل برای وعده وضع شده، ولی در اینجا برای وعید به کار رفته است که آن را «استعاره تهکمیه» می نامند؛ زیرا به کاربرد آن به قصد تمسخر و استهزا است (سیوطی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تفتاراتی، بی تا، ج ۷، ص ۲۲۶). البته احتمال دیگر این است که «بشّره» به معنای «أخبرهم» باشد (طبرسی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۲۳۶). در هر صورت با آوردن لفظ «نوید» صورت استعاری حفظ شده است.

دو. «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (سوره بقره، آیه ۷)؛ خدا بر دل هایشان مهر نهاده است. «ختم» مهری است که بر پایان کتاب و نامه می زنند (حربی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۵۸؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۲). «خَتَمَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» یعنی خداوند آنان را از ایمان منع کرده است و قلبشان به آنچه علم دارد، ایمان نمی آورد. این منع به دلیل اصرارشان بر کفر است؛ نه اینکه خداوند آنان را از ایمان آوردن منع کرده باشد (طریحی، ۱۳۶۷ش، ص ۴۹۷). درواقع قلب های آنان به چیزی مختوم و موثوق تشبیه، و سپس «ختم» برای آن اثبات شده است (سیوطی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۲۴). مترجم با برگردان همین واژه، استعاره را بازتولید کرده است. سه. «وَلَنْكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَّحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (سوره بقره، آیه ۱۶)؛ آنان همان کسان اند که گمراهی را به بهای رهنمود خریدند و تجارتشان سودی نکرد. «اشترء» در آیه به مفهوم مبادله و معاوضه آمده و در ترجمه اش نیز به همان صورت بازگردان شده است.

مترجم، استعاره های موجود در آیات ذیل را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره حمد، آیه ۶؛ سوره بقره، آیات ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۷، ۴۱، ۶۱، ۸۶، ۹۰، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۵۷؛ سوره آل عمران، آیات ۷۷، ۱۷۷، ۱۸۵؛ سوره نساء، آیات ۲، ۱۰، ۲۹، ۳۴، ۵۶، ۷۴، ۸۸.

ب. جایگزینی استعاره: ۳۰ درصد (۳۰ مورد) از ترجمه های گرامرودی به این روش برگردان شده است؛ مانند:

یک. «وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً» (سوره بقره، آیه ۸۰)؛ و گفتند آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نمی رسد.

«لن تمسنا النار» یعنی «لن تصیبا»: به ما اصابت نمی کند (طبرسی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۲۸۰). به کاربردن فعل «نمی رسد» برای اصابت نکردن، از باب استعاره مکنیه است.

دو. «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» (سوره نساء، آیه ۲۴)؛ پاکدامن باشید و زناکار نباشید.

«احصان» عفت و صیانت نفس از حرام است و گفته شده «محصنین» یعنی متزوجین (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۸۸). در این آیه محصنین به معنای مؤمنین است (زمخشری، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۵۱۸). چنان‌که مشاهده می‌شود، مترجم از استعاره‌ای جدید بهره برده که با فرهنگ و زبان مقصد هماهنگ است.

سه. «وَلَا تَبْدُلُوا الْحَبِيثَ بِالطَّيِّبِ» (سوره نساء، آیه ۲)؛ و دارایی‌های ناپاک را جایگزین پاک [آنان] نگردانید.

مقصود از «خبیث» در آیه، مال حرام یا همان اموال یتیمان است و مقصود از «طیب»، حلال یا همان اموال خودتان است و آنچه از مکاسب و رزق خداوند برای شما مباح است و در زمین پراکنده شده (زمخشری، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۴۹۴). در ترجمه این آیه «ناپاک» و «پاک» استعاره‌هایی جدید برای «خبیث» و «طیب» اند.

مترجم، استعاره‌های موجود در این آیات را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره بقره، آیات ۵۵، ۶۱، ۱۰۹، ۱۳۸، ۱۷۴، ۱۸۵، ۱۸۷ (سه استعاره)، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۲ (دو استعاره)، ۲۳۶، ۲۳۷؛ سوره آل عمران، آیات ۶، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۴۷، ۷۱؛ سوره نساء، آیات ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۴۳.

ج. ترجمه مفهومی: ۳۲ درصد (۳۲ مورد) ترجمه‌های گرمارودی به این روش بوده است؛ مانند:

یک. «لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (سوره بقره، آیه ۴۲)؛ و حق را به باطل میامیزید.

«لباس» در اصل برای پوشاندن است، ولی در اینجا آمیختن حق و باطل مراد است که مفهوم آن در ترجمه بیان شده است.

دو. «وَلَكِنْ يَأْخُذْكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ» (سوره بقره، آیه ۲۲۵)، اما از آنچه با دل آگاهی است، بازخواست می‌کند.

«یؤخذکم» از «اخذ» به معنای گرفتن، و «کسب» به معنای طلب روزی و نیز انجام دادن کاری است که سودی را جلب یا زیانی را دفع کند (رازی، ۲۰۰۹م، ج ۱۱، ص ۳۸؛ ابوهلال عسکری، ۱۹۵۲م، ص ۴۵۳). در ترجمه مستقیماً به مفهوم اشاره شده است.

سه. «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» (سوره نساء، آیه ۲۴)؛ و زنان شوهردار.

«محصنات» به معنای زنان شوهردار یا آزاده و عقیف است. اصل «احصان» نیز منع است و زن مسلمان از آن‌رو محصنه گفته می‌شود که اسلام او را از غیر حلال خود منع کرده است (طریحی،

۱۳۶۷ش، ص ۵۳؛ طبرسی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۳۸۸). در ترجمه این آیه، مفهوم محصنات به وضوح بیان شده است.

مترجم، استعاره‌های موجود در آیات ذیل را نیز به همین روش ترجمه کرده است: سوره بقره، آیات ۴۲، ۵۹، ۸۱، ۹۳، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۷۵؛ سوره آل عمران، آیات ۳۷، ۱۱۲ (سه استعاره)، ۱۱۸، ۱۲۷؛ سوره نساء: آیات ۲۴، ۲۵ (چهار استعاره)، ۳۴، ۷۱، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۲.

جدول میزان بهره‌گیری مترجمان از شیوه‌های برگردان استعاره

مترجمان	بازتولید استعاره	جایگزینی استعاره	ترجمه مفهومی	حذف استعاره
طبری	۵۴٪	۲۳٪	۲۲٪	۱
گرمارودی	۳۸٪	۳۰٪	۳۲٪	۰

نتیجه

نوشتار حاضر با بررسی ترجمه استعاره‌های قرآنی در دو ترجمه طبری از ترجمه‌های بنام کهن، و گرمارودی از مترجمان برجسته معاصر، در قلمرو پنج جزء آغازین قرآن به نتایج زیر دست یافت: ۱. در ترجمه کهن طبری از چهار شیوه از هفت شیوه پیشنهادی نیومارک، و در ترجمه معاصر گرمارودی از سه شیوه برای برگردان استعاره‌های قرآنی استفاده شده است. این تنوع شیوه‌ها نشان می‌دهد که دو ترجمه منتخب، به برگردان استعاره دقت و توجهی ویژه داشته و برای این کار به یک شیوه اکتفا نکرده‌اند.

۲. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، برگردان استعاره به صورت بازتولید آن آسان‌ترین و کم‌دردس‌ترین روش، و درعین حال دقیق و اطمینان‌بخش است. از این رو راهکاری مناسب برای انتقال تصویر استعاری، و روشی کارآمد در برگردان استعاره‌های قرآنی است. بررسی ترجمه‌های مذکور نیز نشان داد که مترجمان منتخب، بیشترین بهره را از این راهکار برده‌اند. در ترجمه طبری ۵۴ درصد (۵۴ مورد) از استعاره‌ها به این روش برگردان شده، و گرمارودی ۳۸ درصد (۳۸ مورد) آنها را این‌گونه برگردان کرده است. بهره‌گیری بیشتر ترجمه طبری از این راهکار، نشان‌دهنده دیدگاه مترجمان سده چهارم و پیش از آن است؛ زمانی که حکم شرعی و امکان عقلی ترجمه قرآن مطرح می‌شد. لیکن از قرن چهارم به بعد، مترجمان بنام کار ترجمه قرآن را آغاز کردند و در پی آن، تفکر ترجمه‌ناپذیری قرآن کم‌رنگ گشت. در این اوضاع ترجمه قرآن کاری دشوار بود و ترس حاکم بر

اذهان از اینکه مبدا با ترجمه، خللی در مفهوم آیات الهی ایجاد شود و پیام الهی ناقص به دست مردم برسد، مترجم را به سوی ترجمه‌ای سوق می‌داد که تا حد امکان از متن مبدأ دور نشود. از این رو در ترجمه طبری مشاهده می‌شود که بر ترجمه از نوع بازتولید استعاره، اصرار زیادی شده است، ولی گرمارودی که از معاصران است، در حین ترجمه با این مشکلات مواجه نبوده و از این رو شاهدیم که میزان بهره‌گیری‌اش از این روش کمتر از ترجمه طبری است.

۳. در ترجمه طبری ۲۳ درصد (۲۳ مورد) و در ترجمه گرمارودی ۳۰ درصد (۳۰ مورد) استعاره‌ها به روش جایگزینی، یعنی برگردان استعاره زبان مبدأ به استعاره‌ای جدید و متناسب با زبان مقصد اختصاص دارد. تفاوت‌های فرهنگی و زبانی می‌تواند فهم مخاطبان را در زبان مقصد از استعاره زبان مبدأ با مشکل مواجه کند. از این رو مترجم می‌کوشد استعاره‌ای متناسب با فرهنگ و زبان آنان بیاورد. از محاسن این روش حفظ بلاغت کلام است و برگردان استعاره به این روش چیزی از زیبایی کلام نمی‌کاهد و چه بسا این روش به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر کلام الهی منجر شود؛ چراکه استعاره جدید با زبان و فرهنگ خوانندگان تناسب دارد و به سبب مأنوس‌بودنش بیشتر به جان خواننده می‌نشیند. بهره‌گیری حدود ۳۰ درصدی گرمارودی از این روش، گویای این است که هدفش ترجمه صرف نبوده، بلکه حفظ زیبایی کلام نیز برایش اهمیت زیادی داشته است و تا جایی که امکان داشته، سعی کرده در حین رساندن مفهوم کلام الهی، زیبایی ادبی آن را نیز منتقل کند.

۴. مترجمان از ترجمه مفهومی نیز بهره برده‌اند؛ به خصوص گرمارودی که ۳۲ درصد (۳۲ مورد) برگردان‌هایش از این نوع بوده و در ترجمه طبری ۲۲ درصد (۲۲ مورد) از این روش استفاده شده است. در این نوع ترجمه، مترجم به مفهوم اصلی اشاره دارد و مستعارله را در اختیار خواننده قرار می‌دهد و بدین صورت، ذهن او را از تصویرسازی استعاره بی‌نیاز می‌کند. لیکن شیوه مزبور، عبارت را تا حدودی از زیبایی خارج و به جمله‌ای ساده تبدیل می‌کند. این روش در برخی موارد، مانند آیاتی مربوط به احکام شرعی می‌تواند مناسب باشد؛ زیرا مطلب را به دور از هرگونه تصویرگری و خیال‌پردازی باصراحت بیان می‌کند. همان‌گونه که در نمونه آیات مشاهده کردیم، کلمه «محصنات» در دو ترجمه به شکل مفهومی برگردان شده است تا ابهامی در مصداق‌یابی این واژه ایجاد نشود.

۵. اما حذف بیان استعاری که به نوعی پاک کردن صورت مسئله است، فقط یک بار، آن هم در ترجمه تفسیر طبری مشاهده شد که امانت‌داری و پابندی مترجمان به انتقال کامل متن مبدأ را نشان می‌دهد.

۶. آمار به دست آمده نشان می‌دهد که فاصله زمانی چند سده‌ای و دگرگونی‌های زبانی، در

میزان بهره‌گیری مترجمان از شیوه‌های مختلف مؤثر بوده است؛ چنان‌که مترجمان کهن به حفظ ساختار زبان مبدأ پایبند بوده‌اند و به زیبایی ادبی ترجمه کمتر توجه می‌کرده‌اند. در مقابل، گرایش مترجمان در دوره معاصر بیشتر به ساختار و فرهنگ زبان مقصد است. این درحالی است که مترجمان، از شیوه‌های مشابه برای برگردان استعاره‌ها بهره برده‌اند؛ یعنی تفاوت تنها در میزان بهره‌گیری‌شان از این شیوه‌هاست. این تفاوت مبتنی بر نگرش آنها به ترجمه قرآن است که می‌توان این نگرش را در مبدأمداری مترجمان کهن و مقصدمداری مترجمان معاصر خلاصه کرد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مجدالدین مبارک. (۱۳۶۳ش). *النهاية في غريب الحديث* (محقق: طاهر احمد زاوی، و محمود طناحی). اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، ابوالحسن احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقایس اللغة* (محقق: عبدالسلام هارون). مكتبة الأعلام الإسلامی.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. أدب الحوزة.
۵. باقر، علیرضا. (۱۳۹۱ش). *دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری*. پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۱(۲)، ۳۹-۵۴.
۶. بوتشاشه، جمال. (۲۰۰۴م-۲۰۰۵م). *نماذج من الاستعارة في القرآن وترجمتها باللغة الإنجليزية* (رسالة الماجستير). جامعة الجزائر.
۷. تفتازانی، سعدالدین. (بی‌تا). *مختصر المعانی*. دار الفکر.
۸. جاحظ، ابوعثمان عمروبن بحر. (۱۹۶۰م). *البيان والتبيين*. بی‌نا.
۹. جرجانی، عبدالقاهر. (بی‌تا). *أسرار البلاغة*. مصر.
۱۰. جصاص، احمدبن علی. (۱۹۹۵م). *أحكام القرآن* (محقق: محمد شاهین). دار الکتب العلمیه.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۸۷م). *الصحاح* (محقق: احمد عبدالغفور عطار). دار العلم للملایین.
۱۲. حربی، ابراهیم بن اسحاق. (۱۴۰۵ق). *غريب الحديث* (محقق: سلیمان بن ابراهیم). دار المدينه.
۱۳. حموی، ابن حجه. (۲۰۰۹م). *خزانة الأدب وغاية الأرب*. المكتبة العصرية.
۱۴. رازی، فخرالدین محمدبن عمر. (۲۰۰۹م). *التفسير الكبير*. صیدا.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). *مفردات غريب القرآن*. نشر الكتاب.
۱۶. زمخشری، جارالله. (۱۹۶۶م). *الكشاف عن حقائق التنزيل وعلوم القرآن*. مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
۱۷. سکاکی، ابویعقوب یوسف بن ابی بکر خوارزمی. (۱۹۸۲م). *مفتاح العلوم*. بی‌نا.
۱۸. سمرقندی، ابواللیث. (بی‌تا). *تفسير السمرقندي* (محقق: محمود مطرجی). دار الفکر.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۹۹۶م). *الإتقان في علوم القرآن* (محقق: سعید المندوب). دار الفکر.
۲۰. طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۹۹۵م). *مجمع البيان في تفسير القرآن*. مؤسسة الأعلمی.

٢١. طبرى، فضل بن الحسن. (١٤١٨ق). تفسير جوامع الجامع (محقق: مؤسسة النشر الإسلامى). جماعة المدرسين بقم المشرفة.
٢٢. طبرى، محمد بن جرير. (١٩٩٥م). جامع البيان عن تأويل القرآن. دار الفكر.
٢٣. طبرى، محمد بن جرير. (١٣٥٦ش). ترجمه تفسير طبرى (مصحح: حبيب يغمائى). توس.
٢٤. طريحي، فخرالدين. (١٣٦٧ش). مجمع البحرين (محقق: احمد الحسينى). مكتب نشر الثقافه الاسلاميه.
٢٥. طوسى، محمد بن الحسن. (١٤٠٩ق). التبيان في تفسير القرآن. مكتب الأعلام الإسلامى.
٢٦. عسكرى، ابوهلال حسن بن عبدالله. (١٩٥٢م). الصناعتين في النظم والنثر. مصر.
٢٧. عسكرى، ابوهلال حسن بن عبدالله. (١٤١٢م). الفروق اللغويه. مؤسسة النشر الاسلامى.
٢٨. فراهىدى، خليل بن احمد. (١٤٠٩ق). كتاب العين (محقق: مهدى مخزومى، و ابراهيم سامرائى). مؤسسة دار الهجرة.
٢٩. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب. (بى تا). القاموس المحيط. مجموعة علوم اللغة العربية.
٣٠. قزوینى، خطيب. (٢٠٠٢م). تلخیص المفتاح. أنباء شريف الأنصارى.
٣١. گرمارودى، على. (١٣٨٣). ترجمه قرآن كريم. كديانى.
٣٢. مطرحى، عرفان. (١٩٨٧م). الجامع لفنون اللغة العربية والعروض. مؤسسة الكتب الثقافه.
٣٣. نحاس، ابوجعفر. (١٤٠٩ق). معاني القرآن (محقق: محمدعلى الصابونى). جامعة أم القرى.
34. Alvarez, A. (1993). On translating metaphor. *Meta*, 38(3), 479-490. <https://doi.org/10.7202/001879ar>
35. Burmakova, Elena A., Marugina, Nadezda. (2014). Cognitive approach to metaphor translation in literary discourse. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 154, 527-533. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.10.180>
36. Dagut, M. (1976). Can "metaphor" be translated? *Babel*, 22(1), 21-33. <https://doi.org/https://doi.org/10.1075/babel.22.1.05dag>
37. Lakoff, G. Mark, Johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. The University of Chicago Press.
38. Mason, K. (1982). Metaphor and translation. *Babel*, 28(3), 140-149.
39. Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. Prentice hall.
40. Oliynyk, Tetyana. (2014). Metaphor translation methods. *International Journal of Applied science and technology*, 4(1), 123-126.

41. Tobias, S. L. (2009). Untangling and re-spinning the web: translations of metaphor in tanizaki's 'shisei'. *Translation and Interpreting*, 1(1), 44-54.
42. Van Den Broeck, R. (1981). The limits of translatability exemplified by metaphor translation. *Poetics Today*, 2(4), 73-87.
<https://doi.org/10.2307/1772487>
43. Waldau, T. (2010). *Metaphors and Translation: A Study of Figurative Language in the Works of Astrid Lindgren* (Dissertation).

